روزنامه شرق

سیاست . روزنامه

تفاوت «نقد» با چوب لای چرخ گذاشتن، گفت‌وگو با شهربانو امانی — صفحه ۸

ذات تغییرناپذیر تندروها، یادداشتی از علی دورانی — صفحه ۸

قدرت‌نمایی سرپرست نخست‌وزیری — صفحه ۱۰

احمدی‌نژاد در حال اشاره به لاریجانی در روز استیضاح وزیر کار دولت دهم (یکشنبه سیاه)/ عکس: مهر

واکاوی رفتار مجلس اصولگرا با دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی

فراموش نخواهد شد

حامد طبیبی

زمان را به نیمه بهمن ۹۱ باز می‌گردانیم. درست یک سال پیش و در شرایطی که همه منتظر «روشدن» برگه «آس» یا همان «گزینه» رییس «پرحاشیه» دولت برای انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم بودند. «لطفا اتاق فرمان، فیلم را پخش کند»! تصاویری بی‌کیفیت و صدایی بسیار ضعیف و پر از «نویز» بر پرده نمایش نقش بست؛ فیلمی که بعدها مشخص شد «سناریوی» آن قبلا نوشته شده و یکی از «بازیگران» هم اساسا از قرار گرفتن در «لوکیشن» فیلم واقع در سازمان تامین‌اجتماعی، بی‌اطلاع بوده و لابد برای اینکه بازی وی طبیعی‌تر به نظر برسد، این تصمیم گرفته شده بود! او نمی‌دانست با حضور خود، قرار است فیلم «یکشنبه سیاه» را کلید بزند. البته بازیگر اصلی دیگر، این مهم را به خوبی می‌دانست و بر همین اساس با ظرافت، «دوربین مخفی» را در جایی نصب کرد تا تقابل «فاضل لاریجانی» و «سعید مرتضوی» بهتر دیده شود... اینجا سالن آمفی‌تئاتر یا یکی از سینماهای تهران نیست؛ مجلس نهم در روز استیضاح وزیر کار دولت دهم احمدی‌نژاد است و قرار است همگان شاهد یکی از آن «بگم، بگم»های محمود احمدی‌نژاد باشند. درست زمانی که دولت دهم به آب و آتش زد تا به هر شکل ممکن، سعید مرتضوی متهم پرونده «جنایت کهریزک» را در اتاق مجلل طبقه آخر سازمان تامین‌اجتماعی در خیابان آزادی «حفظ» کند و از تیررس هرگونه «گزندی» مصون و محفوظ بدارد، مجلس اصولگرای نهم زیرفشار افکارعمومی و رسانه‌های کم‌تعداد اما موثر و «موردِاعتماد» منتقد، ناگزیر شد پای «شیخ‌الاسلامی» را به جلسه استیضاح باز کند. آنچه در آن یکشنبه تاریخی گذشت به باور ناظران عرصه سیاست در ایران، نقطه «بیشینه» شکاف میان جریان اصولگرا را به «نمایش» گذاشت. «اصولگرایان» مدتی بود با دولتی مواجه شده‌بودند که از دل جریان متبوعشان برآمده بود اما همه کار می‌کرد تا به مردم بقبولاند که «وابسته به اصولگرایان» نیست. مشاوران ارشد و مقامات بلند پایه دستگاه اجرایی در هر فرصتی یادآوری می‌کردند که احمدی‌نژاد در انتخابات سال ۸۴، مغضوب اصولگرایان بود و حتی جمعیت ایثارگران و احمدی‌نژاد، عضو شورای مرکزی آن بود- نیز از «رقیب» عضو تشکیلاتی خود حمایت کرده بود (محمد باقر قالیباف)، پس رییس دولت هیچ دینی به آنان و مجموعه اصولگرایان نداشت. مشاوران به‌صراحت رییس دولت‌های نهم و دهم را برخاسته از گفتمانی می‌دانستند که به‌زعم آنان، «گفتمان انقلاب اسلامی» بود و ربطی به دوگانه «چپ و راست» نداشت. بی‌شک همین باور «وام‌دار نبودن» و البته «کدورت» احمدی‌نژاد از جریانی که خودش را «جریان اصولگرا» خوانده بود سبب شد تا مجادله با لاریجانی رییس مجالس هشتم و نهم، قالیباف شهردار تهران پس از محمود احمدی‌نژاد و هر چهره سیاسی که امکان رقابت یا مقاومت در برابر وی داشت را هیچگاه ترک نکند. پاسخ تند علی لاریجانی در همان جلسه مشهور استیضاح وزیر کار به تهدیدات احمدی‌نژاد که با نشان دادن انگشت اشاره به سمت جایگاه ریاست مجلس بیان می‌شد، گویای زوایای مختلف «لبریز» شدن تحمل اصولگرایان در قبال «هل من مبارز»طلبی‌های رییس دولت هشت‌سال گذشته بود: «مشکل این است که رییس‌جمهور ما اولیات اخلاقی را رعایت نمی‌کند. آقای رییس‌جمهور! اینها را ما صداقت نمی‌دانیم، این رفتارها و بداخلاقی‌ها بلای جان کشور شده است. فرض کنید اصلا یکی از بستگان من اشتباه کار بوده چه ربطی به من دارد، اگر من مثل شما جلسه‌ای را که اخوی شما داوود احمدی‌نژاد با من داشت و مطالب زیادی نسبت به اطرافیان شما و جریان انحرافی و ارتباط‌شان با منافقین، فساد مالی و ارتباط با خارج عنوان کردند فیلم می‌گرفتم و پخش می‌کردم برایتان خوب بود؟ برادر شما نظراتی دارد چه ربطی به شما دارد؟ اما شما همین مقدار اخلاق را رعایت نکردید، اگر یکی از بستگان من اشکال دارد مثل هر کس دیگری باید رسیدگی شود ما نه تنها مانع نیستیم بلکه موید هستیم، پرونده‌ای درست و رسیدگی شود. مگر کسی مانع شد؟ این آقایی که شما نام بردید اصلا در اطراف من نیست؛ هیچ مسوولیتی از جانب من ندارد اما فرق من با شما این است که با این همه مشکلاتی که اطرافیان شما دارند که برخی تحت‌تعقیب هستند و پرونده دارند همچنان شما ابقا می‌کنید و رویش هم می‌ایستید. مشکل این است. دوتا طرز تفکر است ما می‌گوییم اگر اطرافیان ما مشکل دارند بروند رسیدگی کنند ولی شما مانع می‌شوید؛ یک‌بار هم گفتید که خط قرمز هستند. یک حدیث قدسی است که پیامبر گرامی اسلام(ص) نقل کرده که اگر کسی به مسلمانی اتهامی بزند که او را خوار کند باید خودش را با جنگ خداوند آماده کند. نمی‌دانم به این باور دارید یا نه؟ خوب شد شما که دایم بگم‌بگم در کشور به راه انداختید امروز این فیلم را پخش کردید تا مردم شخصیت شما را بهتر بشناسند...» این فراز رفتار رییس دولت سابق با مجالس هم‌دوره خود، تنها برگی از دفتر وقایع است؛ فردی که بدون پرده‌پوشی به بهارستان‌نشین‌ها یادآوری می‌کرد که «پس از بازنگری در قانون اساسی، شرایط به‌گونه‌ای شده که دیگر مجلس در راس امور نیست بلکه دولت در راس امور است.» پاسخ لاریجانی البته، خاطرات واکنش‌های افراد حقیقی و حقوقی به سخنان احمدی‌نژاد در نخستین مناظره انتخابات ریاست‌جمهوری دهم را نیز زنده کرد؛ جایی که ده‌ها نفر خواستار امکان پاسخگویی به‌شیوه غیراخلاقی اتهام‌زنی بودند. حالا سه‌سال پس از آن واقعه، رییس اصولگرای مجلس اصولگرا و بسیاری دیگر از همفکرانش، به همان نقطه رسیده بودند اما هشت‌سال «فرصت طلایی» برای توسعه کشور، سپری شده بود.

هفتم؛ همراه، هشتم؛ نیمه همراه

غلامعلی حدادعادل، دفتر کار خود را در ساختمان قدیم مجلس در خیابان امام خمینی به «رییس‌جمهور منتخب» داده بود تا کارهای ابتدایی تشکیل دولت نهم در آنجا صورت پذیرد. رییس مجلس هفتم دست در دست محمود احمدی‌نژاد در مجلس می‌چرخید و هر دو به خبرنگاران لبخند می‌زدند. کاندیدایی که در مرحله دوم انتخابات ریاست‌جمهوری نهم در «سوم تیر ۸۴»، موفق به ورود به پاستور شده بود در مقابل اصحاب رسانه به صراحت گفت: «به‌عنوان یار کمکی به دوستانم در مجلس اضافه شده‌ام.» منظور احمدی‌نژاد، «دوستان آبادگرانی» بود. جریان راست که در دو انتخابات شورای دوم و مجلس هفتم برای تکرار نشدن ناکامی‌های قبلی در مقابل «اصلاح‌طلبان» با تابلوی ناشناخته‌ای به نام «آبادگران ایران اسلامی» وارد انتخابات شده و در انتخابات شورای دوم در تهران و برخی دیگر از کلانشهرها و در آوردگاه مجلس هفتم به سبب رد صلاحیت نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس ششم و اکثریت قریب به اتفاق اصلاح‌طلبان، دردسر چندانی برای کسب «کرسی» نداشتند، حالا محمود احمدی‌نژاد را هم در راس یکی از قوا می‌دید. او البته خروجی «شورای هماهنگی نیروهای انقلاب» نبود اما اصولگرایان خوشحال بودند که «هاشمی» یا «معین و کروبی»، بر صندلی سیدمحمد خاتمی تکیه نزده‌اند. هر چه بود، احمدی‌نژاد عضو جامعه اسلامی مهندسین و جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی بود؛ به‌عنوان نماد خدمتگزاری جناح راست به ساختمان شهرداری تهران رفته بود، در انتخابات مختلف نیروی اجرایی جناح متبوع خود بود. از همه مهم‌تر اینکه او «تیم» چندانی همراه خود نداشت و هر کسی می‌توانست گزینه‌ای به او معرفی کند. بعدها صفار هرندی، وزیر برکنارشده ارشاد

رییس مجلس هفتم دست در دست محمود احمدی‌نژاد در مجلس می‌چرخید و هر دو به خبرنگاران لبخند می‌زدند. کاندیدایی که در مرحله دوم انتخابات ریاست‌جمهوری نهم در «سوم تیر ۸۴»، موفق به ورود به پاستور شده بود در مقابل اصحاب رسانه به صراحت گفت: «به‌عنوان یار کمکی به دوستانم در مجلس اضافه شده‌ام.» منظور احمدی‌نژاد، «دوستان آبادگرانی» بود

دولت نهم، از جلساتی گفت که چهره‌های مختلف از طرف «این و آن» به‌عنوان گزینه وزارت به احمدی‌نژاد معرفی می‌شدند و همانجا این نگرانی شکل گرفت که این ترکیب ناهمگون، چگونه می‌خواهند «کابینه منسجم» تشکیل دهند؟ اینچنین بود که سخن از سهمیه‌های کرمانی نماینده «با نفوذ» ادوار مجالس در دولت به میان آمد و اینکه فلان وزارتخانه، سهمیه فلان شخص است. زمان زیادی لازم نبود که احمدی‌نژاد نشان دهد، مجلسی «مطیع» می‌خواهد. انحلال شوراهای عالی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مواضع نگران‌کننده اقتصادی، برکناری‌های یکی پس از دیگری معاونان و وزرا که تا آستانه «ازنصاب‌افتادن» کابینه ادامه یافت، ابلاغ‌نکردن قوانین مختلف توسط دولت، تاخیر در ارایه لوایح سرنوشت‌ساز بودجه، جابه‌جایی‌های عجیب‌وغریب در هزینه‌کرد ردیف‌های بودجه بر اساس گزارش دیوان محاسبات کشور و... صدای بخشی از اصولگرایان مجلس را درآورد. آنها همکاران خود را به مماشات با دولت هم‌جناح خود متهم کرده و تعطیل‌شدن «بازوهای نظارتی» اعم از سوال و استیضاح و... را به مصلحت نمی‌دانستند. اینچنین بود که چهره‌هایی چون عماد افروغ و محمد خوش‌چهره که از قضا، احمدی‌نژاد بخشی از موفقیت خود در انتخابات را مدیون آنان بود، سنگ‌بنای فراکسیون «اصولگرایان مستقل» را گذاردند که صفت «مستقل» آن، کنایه‌ای معنادار بود. انتخابات مجلس هشتم فرصتی بود تا بسیاری از چهره‌های اصولگرا، ضعف مجلس هفتم را، «دولتی»شدن آن بنامند و در میان خود، به‌دنبال چهره‌ای باشند که بتواند «اقتدار» مجلس را بازگرداند و از همین‌رو، قرعه به‌نام علی لاریجانی افتاد و او هم با زیرکی معمول خود، از «قم» نامزد انتخابات شد تا هم روابط سنتی خانوادگی که مرهون جایگاه پدر در میان روحانیت بود را به‌کار گیرد و هم از چالش «سرلیستی» تهران بگریزد. در واپسین روزهای مجلس هفتم اما کاسه صبر دوست احمدی‌نژاد هم لبریز شد و حداد عادل در نامه‌ای به رهبری نظام، خواستار دخالت ایشان در مقابل رفتارهای احمدی‌نژاد شد. دوران مجلس هشتم اما با مسایل متفاوتی همزمان شد. اصلاح‌طلبان توانسته بودند با وجود ردصلاحیت‌ها، در برخی حوزه‌ها نفرات دوم و سوم خود را راهی مجلس کنند. اصولگرایان نیز برای در امان‌ماندن از تقابل با احمدی‌نژاد، یکی از اضلاع جبهه متحد اصولگرایان را به نیروهای نزدیک به رییس دولت داده بودند و برخی از آنها هم به مجلس راه پیدا کرده بودند. با این حال وزن‌کشی برای انتخاب رییس مجلس نشان داد، راست سنتی دست بالا را در اختیار دارد. «اصولگرایان مستقل» هم تا حد زیادی حذف شده بودند. قرار بر نظارت بیشتر بر دولت بود و علی لاریجانی، این را اعلام کرد. ناظران سیاسی اما یادآور شدند که در عمل این اتفاق رخ نداد. با این حال ماجرای استیضاح علی کردان که پس از مصطفی پورمحمدی، وزیر کشور برکنارشده دولت نهم، به مجلس پیشنهاد شده و رای اعتماد گرفته بود را می‌توان از فصول چالش مجلس و دولت تعبیر کرد. احمدی‌نژاد پس از اعتراض به این استیضاح، دوست صمیمی خود صادق محصولی را در میان موج مخالفت‌ها به مجلس هشتم معرفی کرد و او با رای «ناپلئونی»، وزیر کشور و مسوول برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری دهم شد. لوایح بودجه باز هم دیر به مجلس داده می‌شد و خبری از تذکر و سوال هم نبود چرا که انتخابات ریاست‌جمهوری نزدیک می‌شد و «دوقطبی» شکل گرفته، اصولگرایان را به این نتیجه رساند که ناگزیر به حمایت از رییس دولت نهم هستند. او توانسته بود با سیاست‌های توزیعی، دل بخش‌هایی از جامعه را به‌ویژه در بخش‌های کمتربرخوردار، به دست آورد. مجلس هشتم در بیانیه‌ای با بیش از ۲۰۰ امضا از رییس دولت نهم حمایت کرد. چند نفر از اهالی هشتمین دوره بهارستان، در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری از هزارمیلیارد تومان «گمشده» در سند تفریغ بودجه سخن گفتند که دستمایه مباحث انتخاباتی شد. ماجراهای انتخابات ریاست‌جمهوری و وقایع پس از آن اما فضا را به‌کلی تغییر داد. با وجود معرفی چهره‌هایی غیرقابل تصور برای تصدی وزارتخانه‌های دولت دهم، مجلس فقط به سه وزیر رای اعتماد نداد که دونفر آنان، زن بودند. محمدرضا باهنر، چهره بانفوذ مجلس در واکنش به رای‌اعتماد مجلس یادآور شد که اگر تذکر رهبری و شرایط خاص کشور نبود، ۱۰ وزیر پیشنهادی، رای اعتماد نمی‌گرفتند. با این حال باز هم مجلس هشتم به خواسته رییس دولت تن داده بود. روزهای آغاز دولت دهم به‌سبب فضای خاص آن روزهای کشور، فضایی متفاوت را ایجاد کرده بود. روز ۱۲ آبان سال ۸۸ و در پی بالاگرفتن اختلافات دولت و مجلس بر سر هدفمندی یارانه‌ها، محمود احمدی‌نژاد به‌طور سرزده وارد بهارستان شد و از علی لاریجانی درخواست وقت برای سخنرانی برای نمایندگان مجلس و دفاع از لایحه پیشنهادی خود کرد. اما گویا دلخوری‌های لاریجانی از اقدامات و مواضع احمدی‌نژاد آنقدر زیاد بود که رییس مجلس به رییس دولت اینگونه تذکر دهد: «شما می‌توانید طبق قانون اساسی در مجلس صحبت کنید اما این صحبت باید بر اساس درخواست قبلی که به هیات‌رییسه می‌دهید باشد تا برای شما بر اساس آن درخواست وقتی در نظر گرفته شود.» وساطت باهنر و میرتاج‌الدینی سبب شد تا میکروفن مجلس برای رییس دولت روشن شود. احمدی‌نژاد هم از فرصت استفاده کرد و نمایندگان را تهدید کرد که اگر نمایندگان لایحه را آنگونه که او می‌خواهد تصویب نکنند، لایحه را پس خواهد گرفت. لاریجانی هم پس از سخنان احمدی‌نژاد برنامه اقتصادی او را مغایر با قانون اساسی دانست. تنش در این‌باره ادامه یافت تا آنکه احمدی‌نژاد در یکی از آخرین روزهای سال ۸۸ در یک برنامه تلویزیونی پیشنهاد برگزاری «رفراندوم» برای اجرا یا عدم اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها را داد. موضوعی که با مخالفت رهبری مواجه شد. رهبری از دولت خواست تا قانون را رعایت کند و از مجلس نیز درخواست کرد تا به دولت کمک کند. لایحه مهم هدفمندی یارانه‌ها، در اثر فشار دولت با تغییرات کمی به تصویب رسید و با وجود مخالفت‌های صریح اقتصاددانان درباره اثرات مخرب اجرای غیرکارشناسی حذف یارانه‌ها، مجلس به خواسته کلیدی احمدی‌نژاد برای توزیع پول رای مثبت داد.

محمود احمدی‌نژاد حدود یک‌سال پس از انتخابات در خرداد سال ۸۹ در دیدار با برخی از نمایندگان مجلس و در پاسخ به اعتراض آنها درخصوص عدم اجرای قوانین از سوی دولت، مجلس را متهم کرد که قوانین خلاف شرع تصویب می‌کند و عدد آن را ۱۳۰ قانون مغایر شرع و قانون اساسی ذکر کرد! او در این جلسه که نمایندگان عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس هشتم در آن حضور داشتند موارد دیگری از گلایه‌های خود را نیز مطرح کرد و از جمله به ماجرای گم‌شدن یک‌میلیارددلار اشاره کرد؛ اختلافی که در زمان مجلس هفتم و در اجرای بودجه پیش آمده بود. او در آن جلسه به نمایندگان گوشزد کرد که موضوع گم‌شدن یک‌میلیارددلار در زمان انتخابات ضربه سهمگینی به دولت وی بوده است و از علی لاریجانی توقع نداشته بر این موضوع صحه گذارد. ماجرا به گزارش دیوان محاسبات از تفریغ بودجه سال ۱۳۸۵ بازمی‌گشت که بخشی از درآمدهای نفتی -یک‌میلیاردو ۵۶میلیون‌دلار بوده - به خزانه واریز نشده است. وی به نکته‌ای دیگر هم اشاره کرد که مورد انتقاد بسیاری قرار گرفت: «کسی (نماینده‌ای) با شش‌هزار رای نماینده شده خود را مصون و مبرا و نماینده مردم می‌داند اما خود این فرد، رییس‌جمهور را با بیش از ۲۴میلیون‌رای نماینده ملت نمی‌داند.»

ادامه در صفحه ۹

یادداشت

یادتان نرود

احمد شیرزاد*

در ابتدا ذکر یک تذکر ضروری است. فراموش نکنیم برخوردهای چند ماه اخیر مجلس‌نشینان، با دولتی صورت می‌گیرد که رفتاری اخلاقی با نمایندگان دارد. احتمالا بی‌حرمتی‌هایی که در بخش‌های مختلف دستگاه اجرایی در هشت‌سال گذشته نسبت به مجالس صورت گرفته، از یاد برخی دوستان رفته است. دولت روحانی تلاش می‌کند با احترام متقابل و مفاهمه میان قوا، امور کشور را به پیش ببرد تا آنچه میان دولت و مجلس اصولگرا شاهد بودیم، هیچ‌گاه تکرار نشود. این حسن‌ظن را باید پاس داشت. مجلس به سه وزیر پیشنهادی برای وزارت ورزش و جوانان، رای اعتماد نداد و اخمی از دولت دیده نشد که باید هم اینگونه باشد. معنای این رفتار این است که بنای دولت بر احترام مجلس و رای و نظر نمایندگان است. شایسته نیست در قبال رفتار احترام‌آمیز، رفتار غیرمنطقی و نامتعارف در پیش گرفته شود. اگر به فصل رای اعتماد بازگردیم، برخی اظهارات در تخریب گزینه‌های معرفی‌شده برای تصدی وزارتخانه‌ها نشان داد باور مجلس، احتمالا معرفی وزرایی در مقیاس دولت گذشته است! در رای اعتماد به کابینه، جهت‌گیری‌ها بیشتر سیاسی است و مجلس به طور کلی به کابینه رای می‌دهد. اگر نمایندگان مجلس، کابینه‌ای با رنگ سیاسی مجالس هفتم، هشتم و نهم را انتظار می‌کشیدند، باید می‌دانستند که آقای روحانی کابینه معرفی می‌کند نه آقای جلیلی و کابینه آقای روحانی به رنگ خودش است. در این میان وزارتخانه‌هایی چون وزارت علوم به سبب جایگاهی که در توسعه و سرنوشت جوانان این کشور دارند، موردتوجه قرار گرفتند اما واکنش‌ها به انتصابات بعدی، ادامه یافت. گزینه‌های تصدی این وزارتخانه مهم و حساس، چهره‌های نام‌آشنایی بودند. آقای میلی‌منفرد، یک مدیر اجرایی درجه‌یک به‌شمار می‌رود که ریزه‌کاری‌های اجرایی را هم تجربه کرده و بر حوزه کاری خود بسیار مسلط است. ایشان هم مانند همه اعضای کابینه، نظرگاه سیاسی دارد اما در حوزه کاری، چهره‌ای سیاسی و حزبی نبودند و یک دانشگاهی تمام‌عیار به شمار می‌رود. نباید حاشیه‌های سیاسی که برخی علاقه‌مند به ایجاد آن هستند، روی شخصیت اجرایی و آکادمیک ایشان سایه می‌انداخت و آن ارزش‌ها نادیده گرفته می‌شد. به هر حال تنها دارایی تندروها، جنجال‌سازی بود که پیرامون وزارت ایشان صورت گرفت. پس از آن نیز دکتر توفیقی بار امانت را بر دوش کشید و قرعه به نام دکتر فرجی‌دانا افتاد. اما پس از آن، حداقل‌ها برای ایشان پذیرفته نمی‌شود. اینکه یک وزیر حق دارد در مورد انتخاب معاونان خود تصمیم بگیرد. یا مثلا اعلام واکنش نمایندگان یکی از استان‌ها پس از تقدیم لایحه بودجه ۹۳ توسط دولت تدبیر و امید، از جهاتی مایه تعجب و ابهام شد. پیش از ورود به این بحث، ذکر این نکته ضروری است که تقدیم لایحه بودجه بر اساس زمان تعیین‌شده در آیین‌نامه داخلی مجلس، اگرچه وظیفه منطقی دولت به‌شمار می‌رود، اما حتما نمایندگان رفتار هشت‌ساله دولت گذشته در این بخش را از یاد نبرده‌اند! شایسته بود ضمن تقدیر از این اقدام دولت، از یاد نبرند که همین رفتار قانونمند در تدوین بودجه عملیاتی و البته تقدیم در زمان مناسب، به آنان اجازه داده تا جزییات بودجه را ببینند و بر اساس حق قانونی خود، پیرامون آن به اظهارنظرپردازند.

ادامه در صفحه ۹

طلیعه

تفاوت ره از کجاست تا به کجا

آمنه شیرافکن
خبرنگار پارلمانی «شرق»

مانند انبوه «خرق عادت‌های» محمود احمدی‌نژاد، مدل رفتاری خاص او با نمایندگان مجلس هم خیلی‌ها را انگشت به دهان گذاشت. حضور هرباره او در مجلس همراه با تکه‌پراکنی‌ها و ادبیاتی خارج از عرف و جواب‌های سربالا، سبک تازه‌ای از پاسخگویی رییس‌دولت به نمایندگان را به‌وجود آورد که پیش‌تر بدیلی نداشت. آن سوی میدان برخی نمایندگان هم تا بیش از نیمه‌راه، شیفته رفتار و سلوک رییس دولت و برخی‌شان هم ذوب در او بودند. آنطور که کمترین نقدها بر زبانشان جاری نمی‌شد و طومار بلند زخم‌زبان و گوشه و کنایه‌های «محمود احمدی‌نژاد» صدای کمتر نماینده‌ای را درآورده بود. حتی این روزها در ادبیات برخی در همین مجلس نهم، عجیب بوی نوستالژی به مشام می‌رسد.

تفاوت‌های دوگانه و چندگانه رفتار میان مجلس و دولت، به‌ویژه این‌روزها که ساحت سیاست ایران بر مدار اعتدال می‌چرخد، بیش از هر زمان دیگری چشم‌نوازی می‌کند. در این میان چرخش ادبیات و واکنش مجلس نهم در برابر دولت یازدهم و مقایسه آن با سکوت و سکون اصولگرایان در مجالس هفتم، هشتم و تا حدودی مجلس نهم در برابر احمدی‌نژاد آدم را به تردید می‌اندازد. نمایندگانی که یک روز در برابر انواع سفرهای استانی پرهزینه و بی‌حاصل احمدی‌نژاد سکوت کرده بودند و این سفرها را می‌ستودند، حالا یکی، دو روز از نخستین سفر استانی «حسن روحانی» نگذشته به‌سادگی آن را سفری «پوپولیستی» خوانده و رییس‌جمهوری را به باد نقد می‌گیرند.

با وجود اینکه پرونده دیپلماسی دولت یازدهم در مقایسه با انواع عجیب دیپلماسی دولت پیش، توانسته در همین مدت کوتاه تا حدودی یخ روابط ایران و دیگر کشورهای جهان را آب کند اما از سوی برخی تندروهای مجلس «هولوکاست هسته‌ای» خوانده شده و روز آغاز اجرای توافق هسته‌ای به مردم ایران «تسلیت» گفته می‌شود. البته نباید فراموش کرد همین نمایندگان عزیز تمام این مدت در برابر انواع رانت‌ها و فسادهای مالی و انتساب‌های سلیقه‌ای سکوت کرده و حالا هنوز دولت به یک‌سالگی‌اش نرسیده به فکر افزایش «سطوح گزینش» و استعلام از «وزارت اطلاعات» در مشاغل حساس افتاده‌اند، بی‌آنکه یکی در آن میان بگوید که چطور با سکوت ممتد از کنار جذب آدم‌های «موردِدار» در دولت‌های نهم و دهم گذشتید و حالا ایده درخشان «تساعد در گزینش» به ذهن‌تان خطور کرده است. به راستی که مجالس اصولگرای هفتم، هشتم و نهم از تیر۸۴ تا اردیبهشت ۹۱ آرام و آهسته در کنار دولت محمود احمدی‌نژاد مشغول سپری‌کردن ماه‌عسل شیرینی بودند تا اینکه رفته‌رفته بر سطح تنش‌ها افزوده شد.

گله حداد به رهبری

بگذارید گام به گام و البته گذرا، با واکنش‌های مجالس اصولگرا در برابر دولت «احمدی‌نژاد» پیش بیاییم. سکانس اول، به گله حدادعادل از احمدی‌نژاد به رهبری مربوط می‌شود. دو سال از آغاز کار مجلس هفتم گذشت و همه‌چیز بر وفق مراد بود تا اینکه «محمود احمدی‌نژاد» بخشی از آن روی سکه‌اش را به «غلامعلی حدادعادل»، رییس وقت مجلس نشان داد. حداد هم به‌خاطر عدم‌ابلاغ قوانین مصوب مجلس از سوی رییس‌جمهور، برای رهبری نامه‌ای فرستاده و برای حل‌وفصل مسایل پیش‌آمده از ایشان استمداد خواست. مقام‌معظم‌رهبری نیز می‌فرمایند مصوبات مجلس که توسط شورای نگهبان بررسی شده، لازم‌الاجراست.

اما سبک و سیاق رفتاری احمدی‌نژاد طوری بود که نزدیک‌ترین‌ها را هم عصبانی می‌کرد. در مجلس هشتم محمود احمدی‌نژاد در جریان دو استیضاح به مجلس نرفت. یکی استیضاح مرحوم کردان، وزیر کشور سابق و دیگری در روز استیضاح حمیدرضا بهبهانی، وزیر راه و ترابری. البته به هنگام استیضاح وزیر راه، شخص وزیر هم در صحن علنی حاضر نشد تا اینکه «احمد توکلی» این رفتار وزیر و رییس دولت را «بدترین نوع اهانت به مجلس» بخواند.

سوال علی مطهری از احمدی‌نژاد

تجربه نشان داده که برخی افراد در همین مجلس اصولگرا، «تک‌صدای»شان به‌مثابه یک فراکسیون در برخی بزنگاه‌های سیاسی تاثیرگذار است. نمونه‌اش همین «علی مطهری» است. طرح سوال از احمدی‌نژاد از تیر سال ۹۰ آغاز شد و تا اسفندماه به طول انجامید. اصرار نمایندگان برای پرسش از احمدی‌نژاد، اتفاقی تاریخی را رقم زد تا برای نخستین‌بار در تاریخ ایران، موضوع سوال از رییس‌جمهور در مجلس طرح شود. به این ترتیب «علی مطهری» پشت تریبون رفت و سوالی ۱۵دقیقه‌ای مطرح کرد و کمی بعدتر از او «احمدی‌نژاد» تریبون را برای نزدیک به یک ساعت در اختیار گرفت و با ترجیع‌بند «دم عید است، بگذارید یک شوخی بکنیم»، توهینی تاریخی نسبت به نمایندگان در بهارستان به ثبت رساند.

رشد ۳۶درصدی استنکاف از قوانین

رکوردشکنی «محمود احمدی‌نژاد» در مجلس نهم وارد دور تازه‌ای از شکوفایی شد، به شکلی که گزارش‌های رسمی از رشد ۳۶درصدی عدم پایبندی به قانون از سوی رییس‌دولت دهم حکایت داشت. یک‌سالی از عمر مجلس نهم در همراهی با دولت دهم گذشت و تجربه تلخی از حضور کوتاه و دور از ادب رییس دولت در پارلمان ایران را رقم زد. در نهایت هم احمدی‌نژاد هر آنچه داشت برای «سعید مرتضوی» به چوب حراج زد؛ حراجی که هنوز دلایل آن برای خیلی از تحلیلگران سیاسی بدون پاسخ مانده. اما دلیلش هر چه باشد، ریاست «مرتضوی» بر تامین اجتماعی آنقدر سود و جذابیت داشت که «احمدی‌نژاد» برای آن تا به این پایه ریسک کند.

ادامه در صفحه ۹